

استاد از مجموعه مباحث علوم قرآنی در تفسیر تسنیم خود به مباحثی چون اختلاف قرائات، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، اسباب نزول، علوم مناسبات و مکی و مدنی پرداخته‌اند که در این مجال بر آن شدیم به طرح خلاصه‌ای از دیدگاه ایشان درباره برخی از مسائل علوم قرآنی بپردازیم:

### ۱.۷. اختلاف قرائات

قرائات جمع قرائت است، که مصدر سمعی از فعل قرأ است.

راغب می‌گوید: قرائت عبارت است از تألیف حروف و کلمات در خواندن. بنابراین هر جمع و تألیفی را نمی‌توان قرائت گفت (اصفهانی: ۴۰۲).

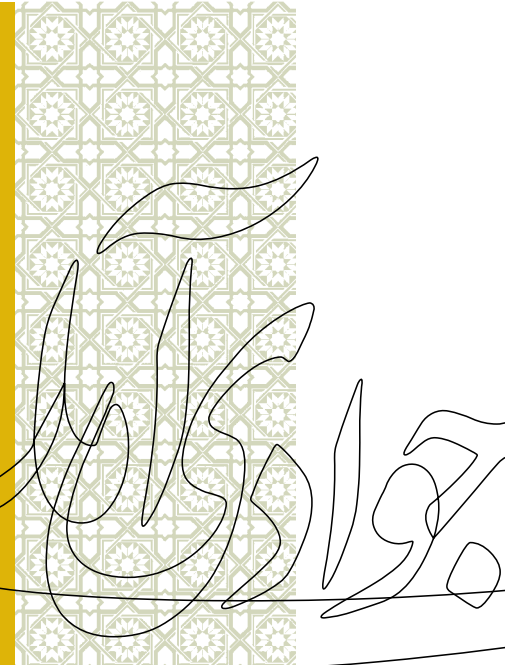
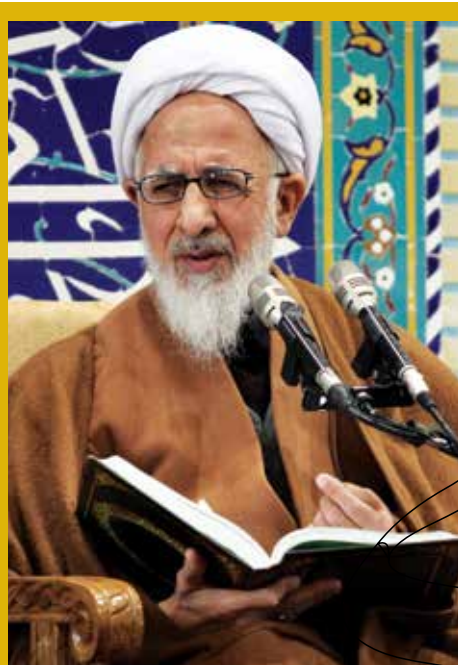
زرقانی در مناهل العرفان می‌نویسد: علم قرائت علمی است که به وسیله آن کیفیت نطق (تلفظ) کلمات قرآن و راه ادای آن به‌طور متفق و مختلف با نسبت دادن هر شکلی به ناقل آن (یکی از ائمه قرائت) دانسته می‌شود.

استاد محمدهادی معرفت مفهوم اصطلاحی قرائت را چنین تعریف کرده است:

هرگاه تلاوت قرآن به گونه‌ای باشد که نص وحی الهی حکایت کند و بر حسب اجتهاد یکی از قرآء معروف، بر پایه اصول مضبوطی که در علم قرائت شرط شده صورت گیرد، قرائت قرآن تحقق یافته است (دیاری، ۱۳۸۷: ۵۹).

در تفسیر حضرت استاد بحث مستقلی در زمینه قرائات مطرح نشده است. هرچند ایشان موضوع اختلاف قرائات را پذیرفته‌اند، اما اولویت را به نص موجود قرآن کریم اختصاص داده‌اند. ایشان در موارد محدودی به قرائات دیگری (ولو غیر مشهور) اشاره کرده و لطایفی از آیه برداشت کردند. مثلاً ذیل آیه ۳۷ سوره بقره در مورد «تلقى کلمات» آورده‌اند:

در قرائت غیر مشهور «آدم» به‌عنوان مفعول برای «تلقى» منصوب و کلمات به‌عنوان فاعل مرفوع واقع شده‌اند. مطابق این قرائت، آیه بدین معناست که کلمات به ملاقات آدم رفتند، چنان‌که مطابق آیه «لاینال عهدی الظالمین» عهد الهی به ستمگران نمی‌رسد. نکته لطیفی که از آن استیناس می‌شود، این است که فیض‌های معنوی مانند فیض‌های مادی نیستند که سواء للسانین



## مسائل علوم قرآنی و جایگاه آن در آثار آیت الله جوادی آملی

حسن فیروزنیا، دبیر دینی و قرآن کرج

### مسائل علوم قرآنی و جایگاه آن در آثار استاد

از علوم قرآن تعاریف مختلفی شده که می‌توان نتیجه گرفت بیشتر صاحب‌نظران به مباحث علوم قرآنی از این منظر نگاه می‌کنند که این علوم همان ابزار لازم در فهم آن بوده و در واقع مباحث مقدماتی است که برای شناخت قرآن و ورود به آن و پی بردن به تعالیم و فهم آن لازم است.

استاد جوادی آملی گرچه به‌طور مجزا به این مباحث نپرداخته است و در دیدگاه ایشان علوم قرآنی به‌صورت یک فن برای فهم قرآن یا کار تفسیر آن به‌کار نرفته، اما آن‌ها را به‌عنوان مجموعه معارفی که برای مفسر لازم و حتمی است تا در سایه آن‌ها فهم عمیق‌تری از آیات به دست آورد، مد نظر قرار داده و در اثنای مباحث تفسیری به فراخور آیات به آن‌ها اشاراتی کرده است (زارع: ۱۳).

باشند و هر کسی طلب کند به آن‌ها برسد، بلکه رسیدن به آن‌ها مبتنی بر اعطای خداوند و عنایتی از جانب اوست (آملی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۴۲۶).

همچنین، ذیل تفسیر آیه ۴ سوره حمد درباره کلمه «مالک» در آیه «مالک یوم الدین» (فاتحه/ ۴) این‌گونه بیان فرموده است که «مالک، مَلِک و ملیک» سه اسم از اسمای حسنی خداوند سبحان هستند که ریشه واحد (ملک، مَلِک) دارند و به معنای سلطه خاصی است که زمینه‌ساز هرگونه تصرف در شیء مملوک باشد؛ همانند سلطه‌ای که انسان بر مال خود دارد. با استیلا و سلطه‌ای که حاکمان بر مردم دارند (و به آن مَلِک گفته می‌شود. هر سه واژه «مالک، ملک، و ملیک» که در قرآن کریم آمده‌اند، (آل عمران/ ۲۶؛ مؤمنون/ ۱۱۶؛ قمر/ ۵۵). نشان از مالک مطلق بودن و مالکیت مطلق خداوند متعال است که در روز قیامت ظهور می‌کند. ایشان به اختلاف نظر مفسران اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«کلمه مالک را بیشتر قاریان «مَلِک» قرائت کرده‌اند و بسیاری از مفسران نیز همین قرائت را ترجیح داده‌اند، گرچه قرائت «مالک» اکنون مشهورتر است. مالک از ملک و مَلِک و مَلِک مشتق است و مالک بودن خداوند همان قیومیت او نسبت به موجودات و تقوُّم موجودات به اوست. مَلِک بودن خداوند نیز همان سلطنت، نفوذ و فرمانروایی او بر اشیاست.» (آملی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۸۶-۳۸۵). ایشان در ادامه به ادله طرفداران قرائت مَلِک و مالک اشاره می‌کند و قرائت مالک را ارجح می‌داند.

کلمه «یوم» و «یومئذ» در بیشتر استعمال‌های قرآنی آن به جهان آخرت (برزخ و قیامت) مربوط است و در همه آن‌ها به صورت ظرف مطرح شده است نه مملوک و این زمینه‌ای است برای استیناس قرآن که براساس آن موارد می‌توان در آیه کریمه «مالک یوم الدین» نیز آن را ظرف دانست، نه مملوک به خود ایشان. «معنای آیه کریمه «مالک یوم الدین» این است که در آن روز خدا مالک اشیاست و مالکیت او در آن روز بر همگان ظاهر می‌شود، نه به این معنا که خداوند مالک آن روز است» (همان: ص ۳۸۸).

۲. همچنین درباره واژه «صراط» چنین می‌فرماید:

درباره واژه «صراط» سخنان گوناگونی بازگو

شده است. عده‌ای اصل آن را از سراط (باسین) و به معنای بلعیدن دانسته‌اند آنچه به نظر می‌رسد، احتمال تعدد لغت باشد، نه قلب و تبدیل. و به هر تقدیر، آنچه مطابق با قواعد عرب باشد، قرائت آن صحیح است (همان: ص ۵۰۶).

تذکر این نکته خالی از فایده به نظر نمی‌رسد که استاد جوادی آملی، همچون استاد فرزانه خویش آیت‌الله طباطبایی، هرچند اختلاف قرائت را پذیرفته، اما اولویت را به نص موجود قرآن کریم اختصاص داده و کمتر به بحث قرائت پرداخته است. چنین برمی‌آید که ایشان به قرائت مشهور عنایت دارد و از قبول سایر قرائت‌های شاذ و نادر امتناع می‌کند.

### ناسخ و منسوخ

نسخ در لغت معانی متفاوتی دارد از جمله ازاله، نقل و ابطال، نسخ به معنی ازاله در زبان صحابه و تابعان فراوان به کار می‌رفته و لفظ ناسخ را بر مخصّص و مقید نیز اطلاق می‌کردند (دیاری، ۱۳۸۷: ۳۰۴).

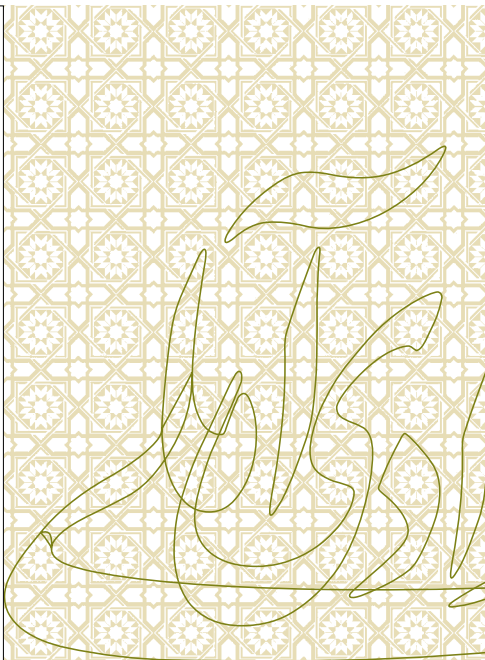
**تعریف:** نسخ عبارت است از برداشته شدن حکمی از احکام ثابت دینی در اثر سپری شدن فرصت و مدت آن (طباطبایی، ۷۶، ج ۱: ۲۴). استاد و علامه طباطبایی در بیان تعریف نسخ دیدگاه نزدیکی دارد:

علامه در تعریف نسخ می‌نویسد: نسخ در قرآن همان بیان انتها و اعتبار حکم منسوخ است. با توجه به همین حقیقت مآلاً به شبهات منکرین نسخ و ادعای کسانی که پذیرش نسخ را ملازم با جهل و خطای خداوند متعال پنداشته‌اند، پاسخ می‌گوید (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۴۱).

استاد درباره نسخ و منسوخ به تخصیص زمانی معتقد است و می‌فرماید: روح نسخ در احکام الهی به تخصیص زمانی برمی‌گردد. نسخ یک حکم به این معناست که امتداد زمانی آن حکم تا این حد معین بوده و اکنون عمرش به سرآمده است و حکم جدیدی به جای آن می‌نشیند. یعنی حکم صادر شده و اساساً زمان اجرای آن موقت بوده است.

برای مثال، ایشان در این مورد به حد زنا‌ی زنان اشاره کرده که براساس آیه ۱۵ سوره نساء حکم چنین عملی، حبس زناکار تا لحظه مرگ است. ولی در آخر همین آیه می‌فرماید: «و يجعل الله لهن سبیلاً» اشاره شده که بعداً

**استاد جوادی آملی، همچون استاد فرزانه خویش آیت‌الله طباطبایی، هرچند اختلاف قرائت را پذیرفته، اما اولویت را به نص موجود قرآن کریم اختصاص داده و کمتر به بحث قرائت پرداخته است. چنین برمی‌آید که ایشان به قرائت مشهور عنایت دارد و از قبول سایر قرائت‌های شاذ و نادر امتناع می‌کند**



**در پی لجاجت‌ها و بهانه‌جویی‌های یهود برای ایمان نیاوردن به آیات الهی و رسول گرامی (ص)، در آیات قبل سخن از بهانه‌آنان در ارتباط با آورنده وحی یعنی جبرائیل بود و در آیات مورد بحث سخن از بهانه‌آنان درباره خود وحی است**

حکم سابق که حبس ابد بود به سر آمد و برداشته شد.

از نظرگاه استاد، در مورد نسخ احکام شرعیه در آیین محمدی (ص) خطوط کلی شریعت ثابت است و در احکام جزئی نیز به شرط وجود دلیل معتبر، آن احکام نسخ می‌شود. «احکام شریعت گذشته از آنچه به خطوط کلی فقه، اخلاق و حقوق باز می‌گردد، خواه از سنخ منہاج، شریعت قابل نسخ باشد و خواه از سنخ حکم حکومتی، اگر دلیل معتبری در شریعت لاحق وجود داشته باشد، نسخ می‌شود» (آملی، ۱۳۹۳، ج ۵: ۱۶۲).

استاد با توجه به آیه «و اذا بدلنا آیه مکان آیه» فرمودند: ممکن است در محور قانون‌گذاری قانونی نسخ شود و قانونی دیگر به جای آن وضع نگردد. لیکن ظاهر این است که عنصر محوری معنای نسخ همان ازاله و ابطال است، نه نقل، تحویل و تبدیل؛ گرچه گاهی با آوردن بدل همراه است. زیرا اگر در حقیقت نسخ تحویل و تبدیل مأخوذ بود، اطلاق این واژه در موردی که فقط ازاله است، نه ابدال و ابطال است نه تحویل و تبدیل. باید مجاز باشد و بدون قرینه به کار نرود؛ در حالی که چنین نیست (آملی، ۱۳۹۳، ج ۶: ۷۲ و ۷۱).

### علم مناسبت

مناسبت در لغت به معنی قرابت و نزدیکی آمده است. مراد از آن یافتن ربط و پیوند میان آیات قرآن کریم است. مناسبت دانشی ارزشمند است که به وسیله عقل‌ها شناخته و منزلت کلام گوینده آشکار می‌شود. فایده آن یافتن استحکام و انسجام آیات در سایه ارتباط با یکدیگر است (زرکشی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۱۳۱). استاد متعرض ارتباط میان سوره با ترتیب موجود نیست، اما سوره‌هایی را که دارای محتوای نزدیک به هم‌اند با هم مرتبط می‌داند. همچنین سوره‌هایی را که دارای حروف مقطعه یکسان‌اند یا برخی از حروف مشترک در آن‌ها وجود دارد با هم در ارتباط می‌داند. اما در پیوند میان آیات یک سوره و ارتباط و انسجام کلی سوره و ربط تمام آیات با یکدیگر و در بیان خطوط کلی سوره، اهتمام بیشتری مبذول داشته است (داورپناه: ۴۰).

استاد بحث تناسب آیات را در قسمت لطایف و اشارات در مجلدات اولیه تفسیر خویش طرح کرده است. مثلاً در تناسب آیه خلافت با آیات قبل از آن آمده است: ممکن است این

آیه استدلال آیه سابق «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» (بقره/ ۲۹). باشد که آن نیز ادامه استدلال آیه سابق «کیف تکفرون بالله و کنتُم اموانا فاحیاکم...» (بقره/ ۲۸) به حساب می‌آید.

پس آنکه خداوند در دو آیه قبل به نعمت‌های ویژه انسان اشاره کرده و همه نظام کیهانی را برای انسان و هدف از آفرینش آسمان و زمین را بهره‌مندی انسان دانسته، می‌توان گفت که آسمان و زمین با همه شئون آن‌ها برای انسان آفریده شده است. پس زمینه این پرسش فراهم می‌شود که انسان کیست که این مجموعه عظیم برای او آفریده شده است؟ به بیان دیگر، همه آنچه برای انسان آفریدیم بر اثر مقام خلیفه‌اللهی انسان واجد شرایط است (آملی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۳۱).

همچنین در تناسب میان آیات ۹۹ و ۱۰۰ با آیات قبل از آن چنین می‌فرماید:

در پی لجاجت‌ها و بهانه‌جویی‌های یهود برای ایمان نیاوردن به آیات الهی و رسول گرامی (ص)، در آیات قبل سخن از بهانه‌آنان در ارتباط با آورنده وحی یعنی جبرائیل بود و در آیات مورد بحث سخن از بهانه‌آنان درباره خود وحی است (همان، ج ۵: ۶۱۸).

### اسباب النزول

علمای علوم قرآنی به مسئله اسباب نزول توجه و اهمیت زیادی قائل‌اند و فایده آن را چنین می‌دانند: «فهم حکمت تشریح حکم الهی و وقوف بر معنای آیه است» (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱۱۷؛ مناهل العرفان، ج ۱: ۱۱۰).

استاد ضمن بیان مطالبی درباره شأن نزول و اسباب نزول، آن دسته از شأن نزول‌ها را که به‌صورت تاریخ یا روایت فاقد سند معتبر آمده است، فاقد حجیت یا فاقد نصاب لازم در حجیت خبر دانسته است؛ اگرچه ممکن است زمینه‌ساز برداشت‌های تفسیری باشند.

اما روایات دارای سند صحیح معتبر را دارای حجیت ذکر کرده و آن‌ها را راهگشای خوبی برای مفسر می‌داند و معتقد است که «در این صورت آیه به گونه‌ای تفسیر می‌شود که با مورد خود هماهنگ باشد» (آملی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۳۲).

استاد همانند علامه طباطبایی سبب نزول را محدودکننده آیه نمی‌داند و می‌فرماید: آیات قرآن هرگز در محدوده سبب و شأن نزول خود محصور نمی‌شوند، وگرنه کتاب



**استاد درباره  
متشابهات قرآنی  
ابتدا به طرح  
آن‌ها و سپس به  
نقدشان تا هشت  
وجه و مبسوط‌تر،  
از بیانات علامه  
طباطبایی،  
می‌پردازد**

در ارتقای معرفت انسان نقشی نداشته باشد، معرفت کمال قرآن نیست. از سوی دیگر، هر رنجی اجر ندارد، زیرا رنج و اجر لازم و ملزوم یکدیگر نیستند.

**دوم:** متشابهات قرآنی وسیله‌ای برای بیداری تحقیق و رهایی از تقلید است.

نقد: این وجه نیز ناتمام است، زیرا فهم محکمت قرآنی نیز بدون تحقیق میسر نیست. چون محکمت‌ها هم با استدلال آمیخته‌اند و پی بردن به تلازم مقدم و تالی در قیاس‌های استثنایی قرآن، تحقیق و نجات از دام تقلید است.

**سوم:** سرآشتمال قرآن کریم بر متشابه رجوع مردم به اهل بیت علیهم‌السلام و برقراری پیوند علمی با آنان است. نقد: نقد این وجه به آن است که سخن گفتن با مردم و تبیین معارف بلند آن برای آنان و جریان سیل خروشان علوم و معارف به ذهن بشر، را در پی دارد.

یعنی گریزی از تشابه نیست و مرجع حقیقی حل آن ائمه هدی (علیهم‌السلام) هستند، زیرا آنان مبیین و مفسر قرآن کریم و بلکه قرآن مثل‌اند و همان‌گونه که محکمت‌ها را روشن می‌کنند، متشابهات را نیز به محکمت‌ها برمی‌گردانند معنای حق آن را می‌نمایانند؛ اما آیات متشابه قرآن بدین منظور نیامده‌اند.

همچنین، اگر آشتمال قرآن بر تشابه برای حفظ پیوند میان مردم با ائمه (علیهم‌السلام) بود، نباید روایات نیز دارای متشابهات می‌شدند، با آنکه احادیث نیز مانند آیات قرآن کریم تشابه دارند (آملی، ۱۳۹۳).

الهی جهانی و جاودانه نخواهد بود. «و لو ان الایه اذ انزلت فی قوم ثم مات اولئک القوم ماتت الایه لیا یهلما بقی من القرآن شیء و لکن القرآن یجری اوله علی آخره ما دامت السموات و الارض» (آملی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۳۲).

**محکم و متشابه**

«حکام» یعنی اتقان و استواری. اگر کلام دارای دلالت روشن باشد، به این وصف توصیف می‌شود (معرفت، ۱۴۲۸ ق، ج ۱: ۴۶۲).

«متشابه» لفظی را گویند که دارای احتمال وجود معانی متعدد است (همان: ۴۰۴).

محوریت موضوع محکم و متشابه در قرآن به آیه ۷ سوره آل عمران برمی‌گردد که قرآن را مشتمل بر آیات محکم و متشابه می‌داند. استاد در این زمینه لزوم فهم متشابهات در پرتو آیات محکم را مطرح کرده است. همچنین، بر این اعتقاد است که محتوای آیات محکم نیز باید به اصول دین برگردد.

استاد درباره متشابهات قرآنی ابتدا به طرح آن‌ها و سپس به نقدشان تا هشت وجه و مبسوط‌تر، از بیانات علامه طباطبایی، می‌پردازد. ما به سه مورد از آن‌ها می‌پردازیم و بقیه را به عهده خود خواننده محترم می‌گذاریم:

**اول:** پذیرش قرآن کریم عبادت است و اگر همه آیات قرآن محکم بودند، درک و پذیرش آن‌ها به سهولت انجام می‌گرفت، لیکن با وجود متشابهات، این عمل عبادی، سختی، مشقت و اجر بیشتری دارد.

نقد: این وجه ناتمام است، چون اگر این رنج

## شناخت مکی و مدنی

آیت‌الله جوادی آملی در مورد بحث فضای نزول مکی و مدنی می‌فرماید: سوره‌های مکی فضای نزول ویژه‌ای دارد که با فضای نزول سوره‌های مدنی متفاوت است و چون فضای نزول هر سوره با محتوای آن سوره تأثیر متقابلی دارد، یکی از معیارهای تشخیص مکی بودن یا مدنی بودن سوره‌ها نیز بررسی محتوای آن سوره است (آملی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۴۲).

### فضای نزول سوره‌های مکی

الف. بر اثر دعوت به توحید و نفی بت‌پرستی، تنها در فضای مکه، ناآرامی قومی حاکم بود، و چون اسلام هنوز از مرز مکه یا حجاز خارج نشده بود و بحران بین‌المللی وجود نداشت، بنابراین آیه یا سوره‌های در مورد سایر ملل و اقوام نازل نشد.

ب. پدیده نفاق در مکه پوشیده بود و بستر مناسبی برای ظهور نداشت. بنابراین، سخنی از جهاد و جنگ با کافران نیز در میان نیست. ج. در فضای مکه شرایط مساعدی برای تشریح احکام دین به‌طور گسترده فراهم بود و مناظره با اقلیت‌های دینی (یهود و نصاری) نیز جایگاهی نداشت.

### فضای نزول سوره‌های مدنی

الف. به علت استقرار حکومت اسلامی و قدرت یافتن مسلمانان، احکام جهاد و جنگ به‌طور میسوس نازل شده است.

ب. در آغاز نزول قرآن کریم مناظرات سختی بین مسلمانان و یهودیان و نصاری در گرفته است. در نتیجه، آیات مدنی در راستای پاسخ به آن‌ها و تبیین مسائل مربوطه است.

ج. فرصت مناسبی برای تبیین احکام دینی و فقهی فراهم شده است. بنابراین، آیات فراوانی در این راستا در مدینه نازل شده است (آملی، ۱۳۹۳).

به نظر می‌رسد، پذیرش اقوال تاریخی برای زمان و مکان نزول، در منظر استاد، مشروط به تطابق با محتوای سوره‌ها بعد از بررسی آن‌هاست. ایشان بخش عمده آیات سوره بقره را نازل شده در مقطع زمانی آغاز هجرت تا ابتدای جنگ بدر دانسته و بخش کمی از آن را نازل شده پس از آن جنگ می‌داند (زارع)

بدیهی است که دو شهر مقدس مکه و مدینه و اطراف آن‌ها محل نزول و مهبط وحی آیات الهی بودند و منظور از شناخت آیات مکی و مدنی بازشناسی و تمییز آیاتی است که قبل از هجرت پیامبر(ص) یا بعد از آن نازل شده‌اند. شناخت آیات و سوره مکی و مدنی از جمله علوم قرآنی محسوب می‌شود که بعضی آگاهی از آن را نیز لازمه تفسیر دانسته‌اند. از جمله فایده شناختن مکی و مدنی در تفسیر یکی این است که آیات ناسخ از منسوخ شناخته می‌شوند (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۷۳). و دیگر اینکه در اطلاع از اسباب و مکان نزول آیات و در نتیجه در مفاهیم قرآن مؤثر است (معرفت، ۱۴۲۸، ق: ۱۲۹).

بی‌توجهی به مکی یا مدنی بودن آیه یا سوره، ممکن است موجب اشتباهات تفسیری یا تطبیقی گردد. به‌عنوان مثال آیه ۱۱۳ سوره توبه در مورد استغفار پیامبر برای خویشاوندان مشرک را به ابوطالب(ع) ربط داده‌اند «ما کان للنبی والذین آمنوا أن یتستغفروا للمشرکین و لو کانوا أولى قریبی من بعد ما تبین لهم أنهم اصحاب الجحیم» حال آنکه، سوره توبه در مدینه نازل شده و آن هم در سال ۸ هجری و حضرت ابوطالب سه سال قبل رحلت کرده‌اند (همان: ص ۱۳۸).

استاد بر این اعتقاد است که با بررسی محتوا و معارف سوره و تطبیق آن با حوادث و مناسبت‌های مرتبط با آن، می‌توان مقطع زمانی نزول سوره را مشخص کرد. برای مثال، با بررسی محتوای سوره بقره، مقطع زمانی نزول آن را یا ۱۸ ماه آغاز هجرت (از ربیع‌الاول سال یکم هجری تا رمضان سال دوم) و یا ۱۲ ماه (از رمضان سال یکم هجری تا رمضان سال دوم) دانسته‌اند و اینکه نزول این سوره پس از شش ماه از هجرت پیامبر(ص) آغاز شده باشد بعید دانسته شده است (سبحانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۸۸). و از آنجا که پدیده مکی و مدنی بودن آیات و سوره قرآن در سیر تشریح احکام، شناخت تحولات تاریخ صدر اسلام، تمییز ناسخ و منسوخ و نیز سیر نزول قرآن نقش‌آفرین است، ضبط روایات مکی و مدنی و نیز نقد و بررسی آن‌ها همواره مورد توجه قرآن‌پژوهان و مفسران اسلامی قرار داشته است (دیاری، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

### پی‌نوشت‌ها

۱. مهر استاد. نشر مؤسسه اسرا.
۲. مجموعه آثار مکتوب استاد حدود ۱۹۰ مجلد و حدود ۹۰ اثر الکترونیکی و دیجیتالی است.
۳. شرای که با چشمه تسنیم ممزوج است.
۴. والی یاتین الفاحشه من نساکم فاستشهدوا علیهن اربعه منکم فان شهدوا فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفین الموت او یجعل الله لهن سیلا.

### منابع

۱. قرآن کریم
۲. زارع موسوی، سیدمجید. پایان‌نامه بررسی تطبیقی آرای علوم قرآنی آیت‌الله جوادی آملی و علامه طباطبایی. کتابخانه دانشکده اصول دین. قم.
۳. داورپناه، محمدمهدی. پایان‌نامه بررسی مبانی و روش تفسیری آیت‌الله جوادی آملی. کتابخانه دانشکده اصول الدین. قم.
۴. جوادی آملی، عبدالله. تسنیم. اسراء. قم. ۱۳۹۳.
۵. دیاری، محمدتقی. درآمدی بر علوم قرآنی. چاپ شریعت. قم. ۱۳۸۷.
۶. راغب اصفهانی، ابی‌القاسم الحسین‌بن محمد. المفردات فی غریب القرآن. مؤسسه‌الاعلامی. بیروت. ۱۴۳۰ ق.
۷. زرکشی، محمدبن عبدالله. البرهان فی علوم القرآن. دارالمعرفه بیروت. ۱۴۱۰ هـ. ق.
۸. سبحانی، جعفر. فروغ ابدیت. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. ۱۳۷۲.
۹. طباطبایی، محمدرحیم. قرآن در اسلام. دفتر انتشارات اسلامی. ۱۳۷۹.
۱۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. بحارالانوار. لجامه لدرر اخبار الاممه الاطهار(ع). مرکز تحقیقات علوم انسانی.
۱۱. مرکز نشر اسراء. مهر استاد. سیره علمی و عملی استاد جوادی آملی. الهادی. ۱۳۸۶.
۱۲. معرفت، محمدهادی. التمهید فی علوم القرآن. مؤسسه فرهنگی التمهید. قم. ۱۴۲۸ هـ. ق.
۱۳. مرکز بین‌المللی نشر اسراء. <http://mashresra.ir>
۱۴. پایگاه بین‌المللی علوم وحیانی اسراء. <http://www.portal.esra.ir>
۱۵. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی. [www.noorsoft.org](http://www.noorsoft.org)